

بیشتر با جایی یا اسلامی تمام نبود البته در آن وقت باشد  
آن را داد الله و علم این کجین دانستند که اختیار  
در این قسم در جانیست و بعضی معذوره را اینجا بجا پیش  
میت پس بگویند که این نکته مستحق در آن محل مختلف است  
با دینی غایت بیرون خود و از آن جمله تفصیل قصه است  
که باصل آن در نظم قرآن توفیقی از آن باشد معنی آن  
از اخبار نبی ام ایل یا در علم سیر تفصالی آن قصد  
و به جمیع خصوصیات آن را ذکر نمایند و اینجا نیز تفصیل  
آنچه در آیه توفیق ظاهر بآن آفته است بوجهی که در  
لغت اینجا استاده شود و بعضی آن نماید و در آن عده  
مفسر است و آنچه خارج است ازین باب مشیل و کز بقوه  
نبی ام ایل که نمز بود یا ماوه با بیان کلیت است  
که لایق بود اما امر تکلف مالد یعنی است و صحابه آن توفیق

بگویند

میدانستند و از قبیل توفیق اوقات می شمرند و این جا  
نیز دو نکته باید بجا در نگار داشت یکی آنکه اصل درین باب  
ایراد نقص مسموع است یا تصرف عقل اما جمعی از  
قدما می مفسرین آن توفیق را بپرتوایی خود است از  
جمله مناسبت آن توفیق و فن کنند و آن را در آن  
احتمال تقریر کنند متضاران در شبهه اند چون است  
تقریر در آن زمان منفرغ شده بود تقریر علی سبیل  
تقریر با لفظ بسیار است که مشتبه شود و یکی را بجای دیگر  
گیرند و این امر مجتهد فیه است نظر عقل را در اینجا بجا  
است و قبل و بعد را در نیاب همان گشته است  
هر که این نکته یاد گیرد در بسیاری از مواضع اختلاف  
مفسران حکم فیصل متولن کرد و در بسیاری از مواضع  
صحابه می تولن دانستند که قول منیت بجهت تقیید است